



نکته های قرآنی

در باره

بهترین ها و بدترین ها

عباسعلی کامرانیان

(فادم القرآن)

نشر آباد اندیش

۱۳۹۵

سرشناسه	: کامرانیان، عباسعلی، ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور	: نکته‌های قرآنی درباره بهترین‌ها و بدترین‌ها
مشخصات نشر	: تهران: آباد اندیش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۸۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۸۲-۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: خیر و شر (اسلام) — جنبه‌های قرآنی
موضوع	: تفاسیر شیعه — قرن ۱۴
موضوع	: Qur'an -- Shiite hermeneutics -- 20th century
موضوع	: Good and evil -- Religious aspects -- Islam -- Qur'anic teaching
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۸۲۵/۲۱۹۸/BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۲۱
شماره کتابشناس ملی	: ۲۲۱۹۲۲۶

نکته‌های قرآنی درباره بهترین‌ها و بدترین‌ها

عباسعلی کامرانیان (ازدم القرآن)

نشر آباد اندیش

چاپ نخست/۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۸۲-۶-۶

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۹۱۲۵۴۰۷۸۱۵

فہرست مطالب

صفحہ	عنوان
۵	مقدمہ ی نویسنده
۷	پدر و مادر خوب، فرزند جنایتکار!
۱۵	پدر پیامبر، پسر کافر
۲۱	برادر پیامبر، برادرانہ جنایتکار!
۲۵	شوهرانہ بلیقہ، زنانہ دوزخی!
۳۱	زنہ عالیقدر، شہر کافر و جہود!
۳۷	فرماندہانہ خوب و بد (عالمہ و جالوت)
۴۳	جنہ فاسق، جنہ یاور و ہمنشینہ پیامبر
۴۳	جنہ فاسق
۵۳	جنہ ہمنشینہ و یاور پیامبر
۵۹	چرا ابلیس منحرف شد؟!
۷۳	پسر قلیلہ اللہ، پدر کافر متعصب!
۷۷	منابع
۷۸	نگاہی بہ آثار نویسنده کتاب

حاکم ظالم و پیر مرد شجاع

پادشاهی بود رعیت شکن
وز سر بهت شده تاج فن!

یکی از خبر چین های شاه به او می گوید که پیر مردی است که:
گفت فلان پیر تو را در نهفت

غیره کش و ظالم و خونریز گفت!
شاه دنبال پیر مرد فرستاد، او وضو گرفت، کفن پوشید، و نزد

حاکم ظالم آمد. شاه با عصبانیت و خشم به او گفت:

کشت شنیدم که سفت رانده ای کینه کش و غیره کُشم خوانده ای
آگهی از ملک سلیمانیم دیو ستمکاره چرا خوانیم؟!

پیر به او گفت: من خفته ام ز آنچه تو گفتی، بدترت گفته ام!!
پیر و جوان رفته اند تو شهر و ده آزرده ز پیکار تو

سپس پیر توضیح داد که من دشمن نیستم بلکه مانند آینه ای،
برعکس اطرافیان و حالت من واقعی ات را به تو نشان می دهم:

من که چنین عیب شدار تو را در بد و نیک آینه دار توام!
آینه چون نقش تو بنمود راست زده شکن آینه شکستن ضاقت!

راستیم بین و به من دار هوش گرنه چنین است به دارم بگش
پیر پو بر راستی اقرار کرد راستیش در دل شه کار کرد

چون ملک از راستیش پیش دید راستی را، کژی خویش دید!
گفت: منوط و کفنش برکشید غالی و ضاقت ما درکشید!

از سر بیدادگری گشت باز دادگری نشست، رعیت نواز
آنگاه حکیم نظامی به همگان توصیه کرده است:

راستی آور که شوی رستگار راستی از تو، ظفر از کردگار
گرسفتن راست بود جمله در تلخ بود تلخ، کالقی مَر

چون به سفتن راستی آری به جای ناصر گفتار تو باشد فدای
طبع نظامی و دلش راستند کارش از این راستی آراستند!

مقدمه ی مؤلف

در بین همه ی انسانهایی که از زمان آدم و حوا (ع) تا کنون به دنیا آمده اند و رفته اند، دو گروه از افراد از سایر گروه های انسانی بیشتر جلب توجه می کنند و زندگیشان در این دنیا بیشتر از دیگران قابل تأمل، توجه و بررسی است.

گروه نخست، انسانهای فوق العاده خوب و نیکویی بوده و هستند که با هماهنگی بین نیروهای مثبت خویش، هم افزایی آنها و استفاده ی بهر از تمام فرصت های موجود عمرشان چنان پر تلاش و کوشا در سراط المستقیم ایمان و اعمال صالح به پیش تاخته اند که دیگران را فرسنگ های داری از خود عقب گذاشته اند و بیشتر و پیشتر از دیگران به مقصد و بصورت عال معنوی و انسانی رسیده اند و در بارگاه ملکوتی حضرت اقدس الهی و بر فراز بهشت برین و فردوس اعلا، نزد ملوک مقتدر با عاسقو اندر و شیدایی دائمی غرق در دریای انوار حق شده اند.^۱

اما گروه دیگر افرادی بوده اند که با عدم استمداد از نعمت عدادهای خدادادی، تشت آراء و ایجاد تعارض در بین نیروهای وجود خویش، توجه به هوای نفوسشان و پیروی از شیاطین جنی و انسی نه تنها در مسیر انسانیت به پیش نرفته اند، بلکه از جاده ی راستی و درستی منحرف شده اند و به دنبال آب زلال حقیقت، در پی سراب شیطانی دویده اند و در وادی های باطل و ناراستی آن قدر به پیش

رفته اند که در آخر صف همه ی حیوانات درنده، خزنده و چرنده ساقط شده اند!^۱

خداوند حکیم برای تنویر افکار عمومی و نشان دادن مصادیق این دو گروه، به معرفی افراد شاخص هر گروه اقدام فرموده است تا مردم، خصوصاً مؤمنان به حق و حقیقت با توجه و تأمل در نوع زندگی و نیز سرنوشت نهایی هر یک از این دو گروه متضاد، بتوانند با الگو قرار دادن نیکان ممتاز، همراه و مانند آنها شوند. این جانب با توکل با ذات تدبیر الهی، استفاده از آیات قرآن حکیم، بهره برداری از احادیث و روایات چهارده معصوم (ع) و خوشه چینی از خرمن معرفت مفسران قرآن کریم، مرشیده ام قبسی از انوار حقیقت زندگی این دو گروه را بر جان هام مشق کمال، رفعت، عشق و معنویت بتابانم. ان شاء الله الرحمن این و حاره، مورد رضایت حضرت احدیت و بهره برداری مؤمنان دانش پژوه واقع شود:

قلم به دست گرفتم که: حرف حق بنویسم
هر آنچه می توانم گفت، بر ورق بنویسم
قسم به جان قلم خورده ام که: نای قلم را
به دست بگیرم و: تا آخرین رمق بنویسم!!
بر آن سرم که: به رغم محیط در همه حالی
هر آنچه حق بیسنده، به حق حق بنویسم!!

عباسعلی کامرانیان (خادم القرآن)